

بازیگران تجارت و بورس

بورس هم دقیقاً مانند تجارت سه ضلع دارد.

این سه ضلع همان سه بازیگر اصلی هستند.

بازیگران تجارت عبارتند از: تاجر، تولیدکننده و مشتری

بازیگران بورس عبارتند از: کارگزار بورس، عرضه کننده و مردم

سه دلیل کوتاه ارائه می کنیم تا هر صاحب عقلی از جنس مردم

بداند که سمت بورس نرود چرا که نابودی اش را به همراه دارد.

۱. تضاد تقسیم سود

در تجارت سود هر سه بازیگر در یک مسیر است.

تاجر زمانی سود می کند که محصول تولیدکننده را بفروشد و

سود تولیدکننده هم همینجاست و خریدار هم زمانی سودی به

دستش می آید که آن تاجر محصول را به او بفروشد.

پس می بینید که سود تاجر و تولید کننده و مشتری هر سه در یک جهت است.

اما در بورس چگونه است؟

کارگزاران بورس دوست دارند مردم پولشان را از بورس خارج کنند و به عنوان سود وارد زندگی خودشان نمایند یا دوست دارند مردم پولشان را تا قیام قیامت همانجا نگه دارند و دست نزنند؟

عرضه کنندگان سهام های بورسی چه می خواهند؟

می بینید که کارگزار و عرضه کننده نفعشان در اینست که مردم پولشان را در بورس بلوکه نگه دارند.

سود مردم در چیست؟

سود مردم در اینست که اگر پولی در بورس می گذارند سودی بدهد تا بتوانند با سود و اصل پول به زخمی از زندگی بزنند و رشدی به زندگی شان بدهند.

اینجاست که منافع مردم با منافع کارگزار و عرضه کننده در تضاد اساسی است پس هیچگاه نمی گذارند مردم سود کنند.

اگر از قضا روزی این اتفاق بیفتد که بیرون کشیدن پول از بورس سود آور بشود سریعاً ارزش سهام‌ها افت می‌کند تا خارج کردن پول از بورس زیان بار شود تا مردم پولشان را خارج نکنند.

و همین موضوع ساده را اکثر مردم درک نمی‌کنند و اینگونه گمان می‌کنند که کارگزاران و عرضه‌کنندگان بورس اجازه خارج کردن پول را به آنها می‌دهند.

دقیقاً مانند قمار است که وقتی بخواهی پولت را در قمار وارد کنی آن کازینو دار استقبال می‌کند اما زمانی که بخواهی سود حاصله از قمار را از کازینو خارج کنی نمی‌گذارند و به زور یا تهدید و یا تطمیع دوباره پای میز نگهت می‌دارند و تا نباختی و پول‌ها را همان‌جا نگذاشتی اجازه خروج از کازینو را نخواهی داشت و شما نگاه کنید هر زمان که خبری پیچید که بورس سود داد و مردم خواستند پولشان را خارج کنند بورس با شکست مواجه شد و دوباره پس از مدتی خبر می‌دهند که بورس سود می‌دهد تا فریب بخوری و پولت را به آنجا ببری تا باز هم ببازی.

۲. سود از کجا می آید؟

در تجارت سود معلوم است که از کجا می آید.

کارگرانی زحمتکش با مدیریت یک کارخانه دار محصولی را تولید می کنند و یا فرآوری می نمایند و در حقیقت نوعی ارزش افزوده برای آن محصول ایجاد می کنند.

تاجری پیدا می شود و آن محصول را به بازارهای داخلی یا خارجی عرضه می نماید و خریداران عمده ای هستند که آن محصولات را که نیاز مردم در آنست می خرند.

چون مردم به نیازشان رسیده اند حاضر می شوند پولی بپردازند و اختلافی هست بین این پول و پولی که برای مواد اولیه آن محصول توسط کارخانه دار هزینه شده است.

این اختلاف پول می شود سودی که تقسیم می شود بین خریدار عمده، تاجر، کارخانه دار و همه کارگرانی که در تولیدش زحمت کشیدند حالا اگر کارخانه دار منصف باشد هوای کارگرانش را

دارد و اگر نباشد در حقشان اجحاف خواهد کرد که متاسفانه آنچه شاهدیم اینست که اکثرا دلسوز کارگزارانشان نیستند. پس معلوم است که سود تجارت حاصل تلاش های دسته جمعی فعالانی است که محصولی را از چرخه تولید به مصرف می رسانند.

در بورس چه اتفاقی می افتد؟

شما پولتان را می دهید به آفتابه سازی دوغوز آباد سفلی.

امشب می گذرد و فردا سهامتان ۷ برابر رشد می کند!!!

چه اتفاقی در این شبی که گذشت رخ داد؟

کارگران کارخانه آفتابه سازی ۷ برابر بیشتر زحمت کشیدند؟

تکنولوژی جدیدی در تولید آفتابه سازی ایران به وجود آمد؟

شلنگ های خانه های مردم به یکباره پاره شد و نیاز به آفتابه در

کشور به اوج خود رسید؟

چه ارزش افزوده ای در صنعت آفتابه سازی رخ داده است که

سهامش ۷ برابر شده است؟

اگر می گوئید تحولی عظیم به وجود آمده است سوال اینجاست که چرا دو روز بعد دوباره از عرش به فرش سقوط می کند؟ اجازه دهید برایتان بگویم.

اصلا بحث ارزش افزوده و سود واقعی در میان نیست. آنجایی که ۷ برابر شد دلیلش اینست که گروهی از مردم فریب خوردند و سهام این کارخانه که هیچ تغییری نداشته را با وعده دروغین کارگزاران خریدند و چون پول زیادی به دست این کارخانه افتاده است ارزش ظاهری اش افزایش یافته است و همین که دوباره یک جو تبلیغاتی علیه این عرضه کننده ایجاد شود مردم پولشان را خارج می کنند و به خاک سیاه می نشینند. یعنی اصلا بحث ارزش افزوده و تلاش و خلاقیت و نوآوری نیست بلکه بحث فریب مردم است که هر عرضه کننده ای بتواند با کارگزارانش بهتر مردم را بفریبد و پول ها را به سمت خودش بکشاند سهامش بالاتر می رود تا جایی که همه مردم چپاول

شوند و چون دیگر کسی برای تاراج نماند دوباره ارزشش فرو ریخته و به حالت واقعی اش باز می گردد.

نکته مهم اینکه پول مردم باعث بالا رفتن سهام عرضه کنندگان می شود و به محض اینکه مردم اراده کنند تا سودشان را از بورس خارج کنند سهام آن شرکت به سرعت افت می کند.

و مطمئن باشید شما آن کسی نیستید که جزء اولین گروه های خارج شده از بازار بورس باشید تا سود کنید بلکه این کارگزاران بورس هستند که با رانت اطلاعاتی که دارند سریعاً سودشان را خارج کرده و ضررش برای شما باقی می ماند.

در حقیقت از آنجا که هیچ ارزش افزوده ای در بورس به معنای واقعی وجود ندارد سودهایی که برای برخی از مردم در بورس ایجاد شده است حاصل ضرر گروه زیادی از مردم دیگر است.

اگر پولی از بورس بردی بدان که به قیمت بی خانمان شدن یتیمی یا مسکینی یا دردمندی بوده است و حسابرسی فردای قیامت سخت است.

۲. پول می دهیم چه می گیریم؟

شما در هر موضوعی وقتی پولی می دهید چیزی در ازای آن نصیبتان می شود.

به طور مثال آرایشگاه می روید و پول می دهید در ازای آن موی سرتان زیباتر می شود یعنی پول می دهید زیبایی می گیرید.
آفرین خدا خیرتان دهد.

سوار تاکسی می شوید و پولی می دهید و راننده شما را جابجا می کند پس پول دادید و تغییر مکانی به شما ارائه شد.
در تجارت پولی می دهید و محصولی می گیرید.

یا پولی می دهید و برند تجاری خودتان را پروموت می کنید.
پروموت کردن به معنای ارتقا دادن است که با شیوه های تهییجی به دست می آید.

پس می دانید اگر من پولی دادم چیزهای ارزشمندی را هم به دست آوردم.

سوال اساسی اینجاست که وقتی به بورس پول می دهید چه چیزی به شما می دهند؟

یک کاغذ پاره که بر روی آن اعدادی نوشته شده است.

اعدادی که ارزش آن واقعی نیست بلکه اعتباریست.

واقعی و اعتباری یعنی چه؟

فرض کنید شما در تجارت پولی دارید و با آن ۲ تن پیچ و مهره

می خرید حال اگر اتفافی برای وضع سیاسی یا نظامی یا

اقتصادی کشور بیفتد شما چه دارید؟

۲ تن پیچ و مهره این پیچ و مهره ها دارای ارزش ذاتی هستند

یعنی در هر حکومتی در هر اقلیمی در هر جغرافیایی ارزش خود

را دارند و به ازای آن به شما پول نقد می دهند.

حالا این پول را در تجارت نمی آورید و به بورس می دهید.

خدای نکرده اتفافی می افتد.

آن اعداد روی کاغذ و حساب بورسی تان چه می شود؟

بی ادبی نویسنده را ببخشید اما واقعا آن اعداد حساب بورسی دیگر به اندازه پیشیزی ارزش ندارد.

کافیست یک تغییر ساده در اوضاع کشور ایجاد شود تا ببینید همه دار و ندارتان با خاک یکسان شده است چون پولتان را با یک اعداد بی ارزشی معاوضه کردید.

و شما مردم طعم با خاک یکسان شدن پولتان در بورس را پیشتر هم در چندین مقطع چشیدید اما سوال مهم اینجاست که چه می شود باز هم به بورس اعتماد می کنید خدا می داند. نویسنده در این مقاله سعی کرده با ادبیاتی عامیانه فریب بورس را به خواننده توضیح دهد.

اگر از اصطلاحات تخصصی استفاده نکردیم برای آنست که همین اصطلاحات تخصصی است که اکثر مردم را فریب داده تا جایی که گمان می کنند بورس و رمز ارز و بانک ها یک ساختار تخصصی اقتصادی هستند در حالیکه همه اینها فقط مسیرهایی

هستند تا پول مردم را که حاصل سال ها عرق ریختن است از دستشان خارج کند.

اگر بورس اگر رمز ارز اگر بانک اگر هرمی ها اگر دوره فروش ها مردم را ثروتمند می کنند پس چرا با اینکه سالهاست در راس اقتصاد ایران هستند اوضاع زندگی مردم روز به روز به فقر و نداری و از دست دادن دارایی ها نزدیک تر می شود؟

همه اینها به نظر نویسندگان از مصادیق رباست و اگر ربا هم نباشد مال شبهه ناک است که وارد سفره های مردم شده که نه تنها هیچ سودآوری به ارمغان نیاورده بلکه مردم را فقیرتر کرده و برکت را از زندگی ها برده است و همه اینها در حالیست که ما ایرانی ها، دوستداران پیامبری هستیم که تاجر بود و تاجر زاده و در خاندانی که همه بزرگانش تاجر بودند پرورش یافت.

از سوی دیگر اجداد ما ایرانی ها به اسناد تاریخی جاده ابریشم، تاجر بوده اند ولی ما هم راه پیامبر خدا و هم راه نیاکان خود را فراموش کردیم که به این روز افتادیم.